

فضای فرهنگی سال ۱۳۵۹، از جهات مختلف با سال قبل متفاوت بود. از سویی، با شکل‌گیری بسیاری از نهادهای قدرت و تثبیت حاکمیت، از تشتت و آشوب‌ها کاسته شده بود، اما در مقابل، بسیاری از دوستی‌ها و همراهی‌های مصلحت‌اندیشانه، جای خود را به دشمنی و مخالفت‌های علنی داده بود. از آن سو، با آغاز جنگ تحمیلی، خواسته و ناخواسته، نوعی همدلی و همصدایی در میان آن دسته از اهل فرهنگ که اصل نظام جمهوری اسلامی را می‌پسندیدند، پدید آمد. قطع رابطه با آمریکا، درگیری‌های خونین دانشگاه‌ها، انقلاب فرهنگی، اجباری شدن حجاب در ادارات، کودتای ناموفق، کویینی شدن ارزاق و سیل مهاجرت‌های جنگی، از جمله اتفاقات سال ۱۳۵۹ بود. از دیگر اتفاقات سال ۵۹، پس از تثبیت مسئولان کانون، برگزاری سمینار پنج روزه‌ای، با عنوان «زبان و ادبیات کودکان و نوجوانان»، در آخرین روزهای خرداد ماه بود. سخنرانی‌های این سمینار چنین بود: بهره‌گیری از میراث‌های فرهنگی در ادبیات کودکان: محمد جعفر محبوب، زبان و ادبیات کودکان: حسن حاج سیدجوادی، شعر کودکان و نوجوانان: مصطفی رحماندوست. ویژگی‌های فرهنگ اسلامی ایران در ارتباط با ادبیات کودکان: سیدعلی‌اکبر حسینی سروری، ساده‌نویسی: ایرج جهانشاهی.

میزگردهای سمینار هم با این موضوعات برپا شد: ادبیات کودکان قبل و بعد از انقلاب، نمایشنامه‌نویسی و فیلمنامه‌نویسی، شعر، قصه‌نویسی، رسانه‌های گروهی و مجلات و نشریات کودکان و نوجوانان (در این سال، کانون زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار گرفت).

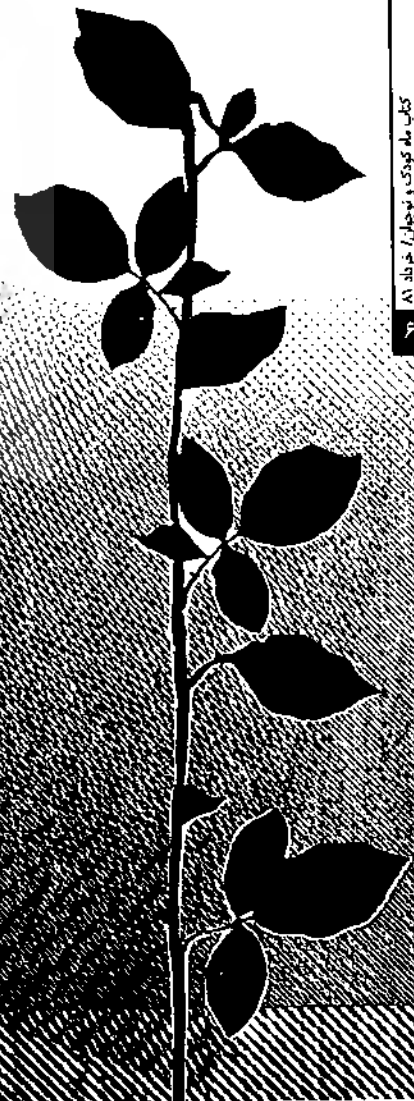
گزارش شورای کتاب کودک که تنها سند به جا مانده از این سمینار است، از ضعف‌های این سمینار و حضور افراد غیرمتخصص که به سمینار زمینه «شعاری و ارعابی» دادند انتقاد کرده و گفته است: «از حدود نزاکت و ادب حاکم بر فضای علمی خارج نشوند و دور از اختلاف نظرهای شخصی برای تعمق و شکافتن بیشتر موضوع مورد بحث بهره جویند، نه برای محکوم کردن یا بی‌احترامی و به تبع جو روز، نه نفی کار مثبت.»

هم‌چنین، سمیناری با عنوان «انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی»، در شهریور ماه با سخنرانی محمدجواد باهنر، محمدتقی جعفری، علی گلزاده غفوری، محمدباقر حجتی، کمال خرازی، عبدالکریم سروش و علی شریعتمداری برگزار شد که به ادبیات کودک ربط مستقیمی نداشت.

اتفاق مهم دیگر سال، انتشار دورهٔ مجدد «پویه» بود. اولین شماره دوره جدید این نشریه که چند شماره‌ای در اواسط دهه پنجاه منتشر شده بود، یک سال و نیم پس از انقلاب، در مهر سال ۵۹، با سردبیری مصطفی رحماندوست انتشار یافت. مقاله‌ای از میهن محتاج، ترجمه‌ای از کمال پولادی،

سیدعلی کاشفی خوانساری

# پست سال نقد ادبیات کودک



متن سخنرانی ایرج جهانشاهی، درباره «ساده‌نویسی برای کودکان و نوجوانان» که در سمینار زبان و ادبیات کودکان طرح شده بود، یک نظرسنجی علمی درباره نشریات «درباره کودک و نوجوان»، از جمله مطالب شماره‌های اول و دوم این نشریه بود. یکی از مهمترین مطالب آن، مقاله «سنت و نوآوری در ادبیات کودکان» نوشته غلامرضا امامی، در شماره دوم بود که در آن، چنین می‌خوانیم:

«... پس از انقلاب بزرگ اسلامی ملت، بازگشت به سنت قصه‌گویی شفاهی و الهام گرفتن از این دست قصه‌ها به شدت شعوب یافته. در حقیقت، سال گذشته که نخستین سال پیروزی انقلاب اسلامی ما بود، نخستین سالی بود که تعداد قصه‌های کودکان، بیش از ترجمه‌ها بود... چون در انقلاب اسلامی ایران همه گروه‌ها و اقوام شرکت داشتند و دارند نوشته‌ها و نقاشی‌های این بچه‌ها نیز به ترکی و کردی و بلوچی و ترکمن نشر خواهد یافت... شک نیست چنانچه سنتی مناسب با تکامل زندگی بشری نباشد و پیش نرود نابودی‌اش حتمی است، اما از یاد نبریم که بی‌توجهی به سنت، ما را بی‌هویت و البته خواهد کرد... اکنون نویسندگان جوان ما چون پلی سنت را به حال می‌پیوندند و حال را زمینه‌ساز می‌سازند برای آینده...»

پیش از انتشار پویه، در اردیبهشت سال ۵۹، «نامه کانون»، توسط روابط عمومی کانون متولد شده بود. نشریه‌ای خبری که عمده مطالب آن، گزارش فعالیت بخش‌های مختلف کانون بود. اخبار کمیته کتاب که در آن از شماره‌های بعد آغاز شد، سندی تاریخی درباره ملاک‌های بررسی کتاب، در آن سال‌هاست. هم‌چنین، اسامی کتاب‌های پاک‌سازی شده که در شماره ۴ آمده است.

دیگر نشریه جدید سال ۵۹، جنگی ادواری با نام «کتاب کودک و نوجوان» بود که به همت محمود حکیمی منتشر می‌شد. (با «کتاب کودکان و نوجوانان» که دروبشیا تهیه می‌کرد، اشتباه نشود). در اولین شماره این گاهنامه، مصاحبه با محمدرضا سرشار و سه مقاله از محمود حکیمی دیده می‌شود. حکیمی در مقاله «هدف‌های ادبیات کودکان»، چنین می‌گوید:

«... یکی از هدف‌های ادبیات کودک، درست‌اندیشی است. اما نباید فراموش کرد که ادبیات کودکان نیز باید مانند آثار ادبی بزرگان، از تمام زیبایی‌های معنوی و اصالت هنری برخوردار باشد. درونمایه ادبیات کودک، باید از زندگی و مسائل واقعی آن سرچشمه گیرد. نویسنده می‌کوشد با دیدی نقاد و تیزبین جامعه را بررسی کند... من معتقدم و همیشه بر این اعتقاد یا فشرده‌ام که کتاب‌های کودکان، چه به صورت آموزشی مستقیم و چه به صورت آموزشی غیرمستقیم، باید جهان‌بینی اسلامی را مطرح کنند...» گزارش شورای کتاب کودک، به سیاق گذشته منتشر می‌شد. مقالات متعدد ترجمه، اخبار و گزارش

فعالیت‌های شورا، جوایز و نمایشگاه‌ها و پیام‌های خارجی، معرفی کتاب‌های مناسب و برگزیده، میزگردی با عنوان «ادبیات یک بعدی یا ادبیات واقعی»، از جمله مطالب گزارش شورا، در این سال بود. در مقاله «گزارش بررسی کتاب‌های سال ۵۸» که در شماره دوم و سوم این سال آمده، تصویری از دیدگاه‌های نقد رایج در شورا و فضای فرهنگی کشور در آن سال، به دست می‌دهند:

«سال ۱۳۵۸. سال امید. سال تکاپو، سال چهره کردن قدرت‌ها و ضعف‌ها... سیر صعودی انتشار کتاب در سه سال اخیر و پس از انقلاب، حکایت از یک خیز بزرگ دارد... داستان هم‌چنان، بخش بزرگ خواندنی‌های کودکان را تشکیل می‌دهد... به شعر هنوز هم توجه چندانی نمی‌شود... کتاب‌های نویسندگان ایرانی، همه حدود سالیان گذشته را در هم شکسته است و نسبت به ترجمه و تألیف را معکوس ساخته است... تعداد کتاب‌هایی که به فهرست کتاب‌های مناسب شورا راه یافته، نشانگر پایین بودن کیفیت کتاب‌ها در سال ۱۳۵۸ است... اگر بگوییم نویسندگان و ناشران در سال ۱۳۵۸، هم‌چنان نهال‌های تازه پس از باران ناگهانی به سرزمین شخم خورده انقلاب روییده‌اند، گزارف نگفته‌ایم. بیش از ۱۵۰ نویسنده و ۸۰ ناشر کتاب نوشته و منتشر کرده‌اند. اگر آن پیچک‌های مودی که ماروار، دور تا دور نهال‌ها را می‌گیرند و آن‌ها را خشک می‌کنند، بگذرانند، امکان رشد و تکامل و دگرگونی بیشتری در ادبیات کودکان کشور ما به وجود آمده است. سال ۱۳۵۸ را سال عطش پایان‌ناپذیر به مطالعه نیز می‌توان شمرد. تیراژ کتاب‌ها از ۳ و ۵ هزار به سی و پنجاه هزار رسید...»

انتشار جزوه‌های ۸ صفحه‌ای، به جای کتاب، گردآوری آثار کودکان و نوجوانان، توسط چند نویسنده، توجه به ادبیات قومیت‌ها، ادامه زندگی کتاب‌های «پر زرق و برق و رنگین، کارتونی و عروسکی» در سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌ها، پیشی گرفتن «ادبیات اجتماعی، سیاسی و دینی» بر آثار سرگرم‌کننده و... از دیگر نکات ذکر شده در این گزارش است. این مقاله، چنین به پایان می‌رسد:

«نمی‌توان این گزارش را به پایان برد و صحبت از کتاب‌های نقد و بررسی ادبیات کودکان نکرد. کتاب‌هایی که آثار نویسندگان کتاب‌های کودکان را به نقدهای موشکافانه گرفته‌اند. نقدهایی که در سازندگی نویسندگان جوان، نقش موثری خواهند داشت؛ هر قدر هم که منتقدان تیز و تند و یک سویه به قضاوت نشسته باشند.»

به جز مجلات تخصصی ادبیات کودک، مطالبی در این باره، در سایر مجلات ادبی و تخصصی هم یافت می‌شود. در جلد شانزدهم گاهنامه «کاوه»، کتاب «کند و کاو در مسائل تربیتی ایران» به‌رنگی، به قلم حسن روز پیکر نقد شد. مجله «کتابدار» در شماره ۱ و ۲، چند



مطلب کودک و نوجوانی داشت. لغو احکام کتابداران آموزشگاهی در تهران، تصفیه کتابخانه‌های کانون پرورش فکری و دوازدهمین سالگرد شهادت صمد بهرنگی.

فصل‌نامه «برج» که توسط محمدعلی وجدانی و محمد محمدعلی منتشر می‌شد، در شماره دوم خود، با نسیم خاکسار «پیرامون گذشته و حال ادبیات کودکان و نوجوانان» صحبت کرد. مقاله «آرزش‌های کمی و کیفی شعر کودک در دهه اخیر» به قلم جعفر صفاری نیز در همین شماره چاپ شد.

در مجله «معلم و خانواده» (پیک سابق)، شماره فروردین ۵۹، به مناسبت هفته کودک، از جمعی از نویسندگان و کارشناسان ادبیات کودک نظرخواهی کرد: محمود حکیمی، ایرج جهانشاهی، فردوس وزیری، وحید نیکخواه آزاد، کافیه فرزام صفت فاطمه زهروی، بهمن آزاد. این مجله چند مقاله درباره کتابخانه‌های مدارس هم منتشر کرد.

در مجلات و جنگ‌های ویژه کودکان و نوجوانان هم، آثار نوشته شده درباره ادبیات فراوان بود. اولین شماره جنگ سوره بچه‌های مسجد در این سال منتشر شد: گاهنامه‌ای که یکی از مهم‌ترین نشریات نقد کتاب برای نوجوانان در سال‌های بعد شد.

«کتاب کودکان و نوجوانان»، در شماره‌های مختلف خود، با چند نویسنده مصاحبه و کتاب‌هایی را نقد کرد. رضا آقامیری، مرتضی خسرونژاد و قاضی ربیحاوی از جمله مصاحبه‌شوندگان بودند.

«ادبیات نسل انقلاب» هم با مجید راستی و مرتضی بختیاری مصاحبه و چندکتاب را به قلم نوجوانان نقد کرد.

کیهان بچه‌ها یک شماره را در فروردین ماه، با عنوان «کتاب دریچهای به روی جهان» به ویژه‌نامه روز جهانی کتاب کودک اختصاص داد.

بهاران، چند معرفی کتاب به قلم قاضی ربیحاوی، چند گزارش و مقاله در این حوزه منتشر کرد.

«اتحاد جوان» معرفی کتاب و مقالات متعددی در این باره داشت که مطلبی درباره شعرهای نوجوانان، به قلم جواد محقق، از آن جمله بود.

گاهنامه‌های «همراه با کودکان و نوجوانان» و «بچه‌ها می‌خواهند با شما سخن بگویند»، هم رویه‌ای مشابه داشتند.

روزنامه‌ها هم کم و بیش به این مسئله توجه داشتند. روزنامه جمهوری اسلامی، طی چند شماره در فروردین ماه، به بررسی فعالیت‌های کانون در قیل و بعد از انقلاب پرداخت و این سلسله گزارش‌ها را ادامه داد. مصاحبه قاسمعلی فراسته با غلامرضا امامی، از دیگر مطالب این روزنامه درباره ادبیات کودک بود.

روزنامه آزادگان، مطلبی درباره روز جهانی کتاب کودک و نمایشگاه کتاب کودک در پارک دانشجو چاپ کرد.

روزنامه میزان، در تاریخ ۵۹/۶/۲۷ نقدی بر کتاب «آتش در کتابخانه بچه‌ها»، نوشته درویشیان، به قلم

علی روستا منتشر کرد. مطلبی با عنوان «کودکان را به مطالعه عادت دهید» در «بچه‌های انقلاب و کتاب‌های خوب» و حرف‌هایی با بچه‌های اهل کتاب و مطالعه، هم در این روزنامه درج شد.

روزنامه اطلاعات، در سال مرگ صمد، با دکتر پیمان، وحید نیکخواه آزاد، مهدی ارگانی و برادر صمد مصاحبه کرد. «ساداگو و هزار مرغ ماهی‌خوار»، در اسفند ماه، در این روزنامه نقد شد. مصاحبه با مدیرعامل کانون (دکتر کمال خرازی)، در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۱، از دیگر مطالب این روزنامه بود. «کودکان کتاب دوست و بزرگان کتاب سوز»، در ۵۹/۱/۳۰ به چاپ رسید.

صبح آزادگان، در ۵۹/۶/۲۴، از «جمع‌آوری تعدادی از کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» سخن گفت. از مطالب سایر مجله‌ها می‌توان به «کتاب کودک در ایران انقلابی»، در پیام مردم، مصاحبه با شکوفه تقی و وحید نیکخواه آزاد، در زن روز و گزارشی از شورای «در نشریه انجمن کتابداران» اشاره کرد.

از جمله کتاب‌های مستقل درباره کتاب کودک در این سال «رهنمونی از کتاب و کتابداری کودک»، نوشته م. جمشیدیان است. کتاب شامل چهار فصل، با موضوعات: مسائل تجزی درباره کتابخانه، کمی درباره ادبیات کودکان، بنایم، بررسی مسائل کلی کتابخانه و فعالیت‌های جنبی کتابخانه است.

این کتاب با نگاهی مذهبی تدوین شده و در دوران رونق کتاب‌های پرشور انقلابی و تندروانه، کتابی معقول، آرام و منطقی است. در این کتاب، درباره هدف ادبیات کودکان، می‌خوانیم:

«بررسی و مطالعه دقیق نقایص، کمبودها، کسری‌ها، بی‌عدالتی‌ها و ناهنجاری‌های جامعه انسانی و بازگو کردن آن عیوب، در جهت رفع آن‌هاست و هدف‌های مقدماتی آن، عبارتند از: خویشتن‌سازی... شناخت محیط... لذت بردن... آموزش... عادت دادن کودک به مطالعه...»

از جملات جالب کتاب که بیانگر فضای آن روز نقد ادبیات کودک است:

«امروز، ادبیات کودکان ما تنها در یک بعد سیر می‌کند... تنها مبارزه و فداکاری و شجاعت و شهامت و مطالبی شبیه به این نیاز کودکان نیست... امروزه خیلی کم کتابی را سراغ داریم که درباره روابط خانواده... صحبت کرده باشد...»

کتاب مستقل دیگر این سال «سیری در ادبیات کودک: ۱. پنجستان» نام دارد و نوشته علی اظهري است. کتاب براساس دیدگاه چپ نوشته شده اما از نویسندگان چپ‌گرا، به دلیل محافظه‌کاری آن‌ها انتقاد شده است. کتاب پس از مقدمه‌ای درباره وظایف «کودک‌نویسان»، به بررسی کتاب‌های رنج‌های یک کارگر، نوشته م. خ. خیتچی، علی کوچیکه، نوشته رضا آقامیری و ما صبر می‌کنیم، نوشته داریوش کارگر پرداخته است. این جزوه ۲۸ صفحه دارد. در مقدمه

کتاب می‌خوانیم:

«اساس وظیفه کودک‌نویس، قضاوت است: قضاوت بین دو پدیده، دو شیء، دو فرد با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و طبقاتی آن‌ها... وظیفه کودک‌نویس، تصویر روابط عینی و حاکم بر جامعه است که در آینده تکامل پیدا کرده و بالاخره، منجر به دگرگونی نظام جامعه خواهد شد...»

«نگاهی به آثار درویشیان»، نوشته گلباخی، کتابچه کوچکی است که پس از اشاره به برخی کتاب‌های درویشیان و تحلیل وضعیت سیاسی اجتماعی روز و نقش نویسندگان در آن مقطع به تحلیل داستان، «آتش در کتابخانه بچه‌ها» می‌پردازد.

گاهنامه «نقد و بررسی ادبیات کودکان و نوجوانان»، در دو جلد، در سال ۵۹ منتشر شد. این مجموعه زیر نظر «شورای نویسندگان کتاب‌های کودکان و نوجوانان» منتشر شد و هر کتاب، شامل چند نقد بود. نویسندگان نقدها عبارت بودند از: رضا آقامیری، مرتضی خسرونژاد، خندان، درویشیان، محمدرضا یوسفی، هاشم برآبادی، بهرام عظیم پور و مصطفی کیانی.

تعدادی کتاب دیگر در سال ۵۹ منتشر شد که بخشی از آن‌ها مربوط به ادبیات کودک بود. «کتاب کار مری کودک»، نوشته توران خمارلو (میرهادی)، کتاب دوم از سری «تجربه‌های مدرسه فرهاد» بود که «برنامه کار سالانه مری دز مهدکودک و کودکان» را ارائه می‌کرد. نویسنده کتاب را به همسر مرحوم خود، هدیه کرده است.

جزوه «فهرست کتاب‌های علمی برای دوره راهنمایی تحصیلی»، نوشته سامان عشقی هم در ۲۹ صفحه، در این سال انتشار یافت.

کتاب «همراه با کودکان و نوجوانان»، نوشته محمدرضا قربانی، بخشی را هم به معرفی کتاب اختصاص داده و گفته بود:

«بچه‌های عزیز، از آن جا که کتاب‌های زیادی برای شما نوشته شده است و همه آن‌ها قابل خواندن نیستند و حتی بعضی از آن‌ها انحرافی و مضر نیز می‌باشند... سعی کنید کتاب‌هایی که در این بخش به عنوان کتاب‌های خوب معرفی شده است، نخرید. مطمئن باشید ما تمام کتاب‌های انحرافی و کتاب‌هایی را که فقط جیب شما را خالی می‌کند، کنار می‌زنیم و کتاب‌های خوب را به شما معرفی می‌کنیم.»

سیس ۲۵ عنوان کتاب، شامل کتاب‌های گلباخی، خندان، یاقوتی و درویشیان (هرکدام سه کتاب) معرفی شده است.

به طور کلی، سال ۵۹ سال حضور و تثبیت چهره‌های جدید در ادبیات کودک است. سال انتشار نشریات جدید و تنوع در ادبیات کودک و سال انتشار آثار کودکان و نوجوانان و خطاب قرار دادن ایشان در نقدها.